

بررسی تطبیقی دو چاپ متفاوت از شاهنامه فردوسی بر مبنای علم معانی

داریوش ذوالفقاری*

چکیده

مقاله حاضر می‌کوشد برای بررسی چاپ‌های متفاوت از متون ادبی، با نگاهی مبتنی بر بلاغت، فرضیه‌ای پیشنهاد کند. پرسش این است که علم معانی ضبط‌های مختار کدام چاپ را بیشتر تأیید می‌کند؟ فرضیه پیشنهادی این است که در مقایسه چاپ‌های متفاوت متون ادبی، می‌توان موازین علم معانی را به کار گرفت؛ هر چند می‌دانیم هر ضبطی را هم که نسخه‌شناسی تأیید کند، لزوماً بلیغ‌تر نیست زیرا بسیاری از ابیات مشهور بر اساس براهین نسخه‌شناسی الحاقی هستند.

برای آزمایش این فرضیه یک داستان از «شاهنامه به کوشش جلال خالقی مطلق» با همان داستان از «نامه باستان گزارش و ویرایش میرجلال الدین کزازی» مقایسه می‌شود. در این مقایسه تفاوت‌های نحوی این دو چاپ که سرنوشت بلاغی متن را تعیین می‌کند مورد نظر است. اگر این فرضیه پذیرفتنی باشد نتیجه ذیل از آن به دست می‌آید: بررسی تطبیقی چاپ‌های متفاوت هرکدام از متون ادبی به‌خصوص شاهنامه با تکیه بر شگردهای بلاغی می‌تواند در نسخه‌پژوهی به کار رود و موضوع پژوهش‌های نتیجه‌بخشی باشد.

کلیدواژه‌ها: جلال خالقی مطلق، شاهنامه فردوسی، علم معانی، میرجلال الدین کزازی، متون ادبی.

۱. مقدمه

در پژوهش حاضر داستان رستم و اسفندیار از «شاهنامه به کوشش جلال خالقی مطلق»

* دکترای زبان و ادبیات فارسی، عضو پژوهشگاه میراث فرهنگی zolfaghari1185@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۱/۱۱/۲، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۲/۵

با همین داستان از «نامه باستان و ویرایش و گزارش میرجلال الدین کزازی»، بر اساس معیارهای علم معانی مقایسه و دلایل بلاغی برتری هر ضبطی بر ضبط دیگر بیان می‌شود. برای این کار ضبط‌های متفاوت هر دو چاپ، بررسی و شمارش می‌شود؛ تفاوت‌های نحوی از غیر آن تمایز داده می‌شود و در پایان شاهد مثال‌ها از بین ابیاتی ذکر می‌شود که با هم تفاوت نحوی دارند. برای نشان دادن نشانی ابیات به شماره آن‌ها در هر چاپی اکتفا می‌شود؛ ضمن اینکه چاپ خالقی را با «خ» و چاپ کزازی را با «ک» معرفی می‌کنیم.

۲. مبنا، مواد، و منابع علم معانی

مبنای علم معانی تناسب سخن با مقتضای اوضاع و احوال است، مواد علم معانی ساختارهای نحوی است و منابع این علم در هر زبانی شاهکارهای ادبی آن زبان است. شاهنامه فردوسی یکی از مهم‌ترین شاهکارهای ادبیات فارسی است که بررسی آن بر مبنای علم معانی برای کشف اسرار بلاغی زبان فارسی بسیار مغتنم است.

۱.۲ تعریف علم معانی

علم معانی علمی است که در آن شگردهای نحوی و ساختاری سخن با توجه به مقتضای حال، شناخته می‌شود. ویژگی‌های این تعریف را می‌توان این‌گونه برشمرد:

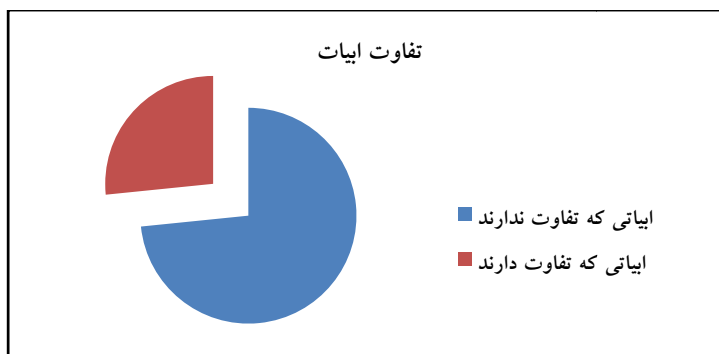
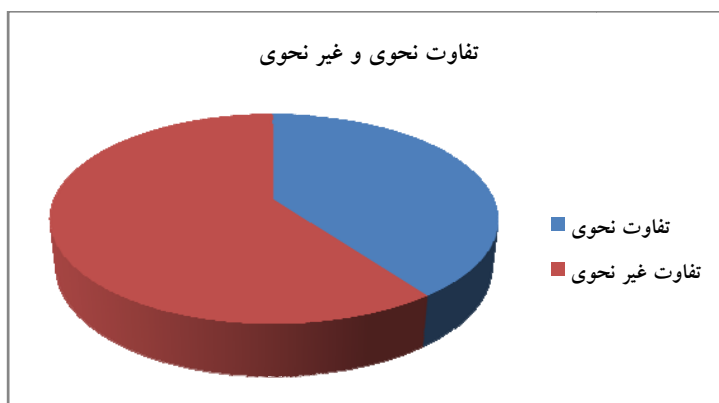
هر ترفند و شگردی که در حوزه ساختارهای نحوی سخن باشد و در اثرگذار ساختن آن نقش داشته باشد، در قلمرو دانش معانی می‌گنجد. به این ترتیب این قلمرو بسیار گسترده‌تر از ۸ مورد معروفی می‌شود که در منابع این دانش ذکر شده است.

منظور از «سخن» در این تعریف، سخن درست است؛ بدیهی است تا سخنی از پای بست درست نباشد، نمی‌توان در بند اثرگذاری آن بود. بنابراین فصاحت کلمه و کلام و متکلم شرط لازم بلاغت است.

اقتضای حال در این تعریف علاوه بر مخاطب شامل متکلم و نوع ادبی و تمامی اوضاع و احوال حاکم بر سخن نیز می‌شود که به این ترتیب بسیاری از عناصر مطرح در داستان‌نویسی مانند «تعلیق»، «شخصیت پردازی»، «گفت‌وگو» و «لحن» را می‌توان در حوزه دانش معانی مورد توجه قرار داد (ذوالفقاری، ۱۳۸۹: ۱۶).

۳. مقایسه دو چاپ مورد نظر

داستان رستم و اسفندیار در چاپ خالقی مطلق ۱۶۷۱ بیت است و در چاپ کزازی ۱۶۵۴ بیت. بنابراین تعداد کل ابیات مقایسه شده ۱۶۵۴ بیت است که از این میان، ۴۴۰ بیت در مورد یا مواردی با هم تفاوت دارند؛ ۱۷۶ بیت دارای تفاوت نحوی و ۲۶۴ بیت دارای تفاوت غیرنحوی است. در این جا فقط ابیاتی که با هم تفاوت نحوی دارند و این تفاوت سرنوشت بلاغی بیت را تغییر داده، بررسی می‌شوند:



بیت ۴۸:

- | | |
|-----------------------------|--------------------------------|
| نشیند به خوبی و آرام و ناز؟ | (خ) که او را بود زندگانی دراز؟ |
| نشیند به آرام بر تخت ناز؟ | (ک) که او را بود زندگانی دراز؟ |

استخدام صفت «ناز» برای تخت در سبک حماسی و مقتضای آن محل تردید است و باید بررسی شود که آیا حکیم در جای دیگری این ترکیب وصفی را به کار برده است که بسامد این کاربرد بتواند بر درستی آن دلالت کند؟

بیت ۵۲:

(خ) ز دانش بروها پر از تاب کرد

(ک) ز تیمار مژگان پر از آب کرد

طبیعت آدمی این گونه است که نخست از چیزی آگاهی کسب می کند و سپس به آن آگاهی بازتاب نشان می دهد و با مقتضای این طبیعت چاپ (خ) سازگارتر است.

بیت ۶۴:

(خ) وُرا در جهان هوش بر دست کیست؟

(ک) وُرا در جهان هوش بر دست کیست؟

«آن» بیشتر از «این» عظمت درد مرگ اسفندیار را نشان می دهد و اگر این باور را پذیرفته باشیم که در سراسر داستان، مرگ اسفندیار برای پدرش گشتاسب اهمیت چندانی ندارد و تاج و تخت و نگهداری آن ها برای او از هر چیز دیگری مهم تر است؛ اقتضای این اهمیت و انسجام کلی داستان با «این» موافق تر است.

بیت ۷۷:

(خ) نشست از بر تخت زر شهریار

(ک) نشست از بر تخت بر شهریار

پرسشی که باید در این جا و موارد مشابه آن پاسخی برایش یافت این است که فردوسی برای یک متمم در چه مواردی از دو حرف اضافه استفاده نمی کند؟ مثلاً در این بیت آیا ممکن است به جای حرف اضافه دوم صفت «زر» را به کار برده باشد؟ پاسخی که بلاغت با توجه به انسجام لغوی برای این پرسش دارد این است که حکیم برای تخت صفت (زر) به کار برده باشد.

بیت ۷۹:

(خ) چو در پیش او انجمن شد سپاه

(ک) چو در پیش او انجمن شد سپاه

ز ناماوران و ز گُردان شاه

از آن نامداران و گُردان شاه

«آن نامداران» که تعظیم مسندالیه را به همراه دارد از منظر بلاغت پذیرفتنی تر است.

بیت ۹۸:

(خ) به یزدان نمایم به روز شمار بنالم ز بدگوی با کردگار!
(ک) به یزدان نمایم به روز شمار بنالم ز بدگوی بد روزگار

«کردگار» با «یزدان» در بیت نخست انسجام لغوی دارد و تأکید بیشتری در آن نهفته است.

بیت ۱۴۶:

(خ) اگر تخت خواهی ز من با کلاه ره سیستان گیر و برکش سپاه!
(ک) ره سیستان گیر خود با سپاه! اگر تخت خواهی همی با کلاه

الف) تقدیم «مشروط» بر «شرط» در چاپ خالقی بیانگر اهمیت بسیار زیاد تخت و کلاه برای گشتاسب است و با مواضع دیگر داستان انسجام بیشتری دارد.

ب) «من» در چاپ خالقی مثل همه داستان خودخواهی گشتاسب را بیشتر نشان می دهد و انسجام سخن را می افزاید.

ج) «گیر» و «برکش» در چاپ خالقی دو جمله امری پشت سر یکدیگر را ساخته که نشان دهنده تأکید بیش تری است.

بیت ۱۵۵:

(خ) ولیکن ترا من یکی بندهام! به فرمان و رایت سر افگندهام!
(ک) ز لشکر ترا من یکی بندهام! به فرمان و رایت سر افگندهام!

«ولیکن» در چاپ خالقی ایجاد کننده «وصل» است که در اینجا لازم است.

بیت ۱۵۶:

(خ) بدو گفت: در کار تندی مکن! بلندی بیابی، نژندی مکن!
(ک) پدر گفت: در کار تندی مکن! بلندی بیابی، نژندی مکن!

ذکر «پدر» در چاپ کزازی با فضای غیر عاطفی داستان انسجام لازم را ندارد و حذف آن در چاپ خالقی این انسجام را می افزاید.

بیت ۱۶۹:

(خ) سواری که باشد به نیروی پیل به گفتار خوار آیدش رود نیل
(ک) سواری که باشد به نیروی پیل به پیکار خوار آیدش رود نیل

خالقی مطلق ضبط نسخه لندن (۶۷۵ هـ) را - که چاپ مسکو نیز بر اساس آن است - و معنی روشنی دارد بر اساس پای‌بندی به قوانینی که برای تصحیح خود در نظر گرفته به پانوشت برده است و در یادداشتی که برای این بیت نوشته است؛ درستی متن را مورد تردید قرار داده (خالقی مطلق، ۱۳۸۹: ۲۷۹). رستگار فسایی که بر اساس چاپ مسکو این بیت را توضیح و گزارش کرده، نوشته است: «زخون راند اندر زمین جوی نیل»، تصویری مبالغه‌آمیز است؛ برای نمایش دادن شدت خونریزی‌های رستم در میدان‌های نبرد (رستگار فسایی، ۱۳۸۹: ۱۷۳).

کزازی در شرح این بیت نوشته است: در چاپ مسکو لخت دوم این بیت چنین آمده است: «ز خون راند اندر زمین جوی نیل» ریخت متن شیواتر است و شگفت‌تر و از این روی، برازنده‌تر (کزازی، ۱۳۸۴: ۶۵۹).

واژه پیکار در هیچ‌کدام از نسخه‌های مورد استفاده خالقی نیست. و لازم است در مورد آن تأمل بیشتری شود.

پرسشی که در اینجا به ذهن می‌رسد این است که چرا خالقی مطلق وقتی درستی این بیت را مورد تردید قرار داده، نویسنده نسخه لندن (۶۷۵ هـ) را به متن نبرده است؟ پاسخی که خود او دارد این است که در این‌گونه موارد ضبطی را به متن می‌برد که نسخه‌های معتبر بیشتری آن را تأیید کنند (خالقی مطلق، ۱۳۸۹: بخش چهارم / ۱۲). «ز خون راند اندر زمین جوی نیل» فقط در دستنویس لندن (۶۷۵ هـ) آمده است و از آنجا که خالقی کاتب این دستنویس را مردی باسواد و باذوق دانسته است که دستبردهای او در متن در بسیار جاها ماهرانه است (همان: ۳۳) می‌توان احتمال داد که این نویسنده از تصرفات او باشد.

ساخت اخیر از مصرع دوم بیت مورد بحث، بلیغ‌تر از ضبط مختار خالقی است زیرا با ابیات پس از خود انسجام بیشتری دارد. ولی خالقی آن را به متن نبرده چرا که براهین نسخه‌پژوهی، جواز این کار را به او نداده است. نتیجه‌ای که از بررسی این‌گونه موارد حاصل می‌شود وابستگی فراوان مصحح است به قوانینی که در روش تصحیح متن شاهنامه به دست آورده است.

بیت ۱۷۱:

(خ) همان ماهِ هاماوران را بکشت	نیارست گفتن کس او را درشت
(ک) هم او ماهِ هاماوران را بکشت	نیارست گفتن کس او را درشت!

چاپ کزازی قصر و حصر دارد و بلیغ‌تر است.

ابیات ۱۷۳-۱۷۴:

برین کُشتن و شور و تاراج باد!	(خ) که نفرین برین تخت و این تاج باد!
که با تاج شاهی زِ مادر نزا!	مده از پی تاج سر را به باد
که با تاج شاهی زِ مادر نزا!	(ک) مده از پی تاج سر را به باد
برین کُشتن و شور و تاراج باد!	که نفرین برین تخت و این تاج باد!

در چاپ خالقی نخست نفرین آمده است و پس از آن نهی؛ این تقدیم و تأخیر با عواطف مادرانه سازگارتر است و لحن مادری را بیشتر نشان می‌دهد.

بیت ۲۲۶:

سَخُنْ گُفت با او از اندازه بیش	(خ) بفرمود تا بهمن آمدش پیش
سَخُنْ گُفت با او از اندازه بیش	(ک) بفرمود تا بهمن آمد به پیش

«ش» در آمدش ضمیر فاعلی است و به بهمن برمی‌گردد که با سبک نحوی شاهنامه سازگارتر است.

بیت ۳۴۵:

همانگه تهمتن بدیدش به راه	(خ) چو آمد به نزدیک نخچیرگاه
تهمتن همانگه بدیدش به راه	(ک) چو آمد به نزدیک نخچیرگاه

تقدیم مسندالیه (تهمتن)، در چاپ کزازی بیانگر اهمیت رستم است و با ساختار داستان سازگارتر است.

بیت ۴۰۲:

همان رنج‌هایی که من برده‌ام	(خ) بدان نیکوی‌ها که من کرده‌ام
همان رنج و غم‌ها که من خورده‌ام	(ک) بدان نیکوی‌ها که من کرده‌ام

«رنج بردن» در چاپ خالقی از «رنج خوردن» در چاپ کزازی فصیح‌تر است.

بیت ۴۷۸:

همی در سَخُنْ رایِ فرَخْ نهیم	(خ) نشینیم و گویم و پاسخ دهیم
به پاسخ همی رایِ فرَخْ نهیم	(ک) نشینیم یک جای و پاسخ دهیم

محور بلاغی این بیت «گویم» است که در چاپ خالقی آمده است و تعداد جملات موجز را در یک مصرع افزوده است و به سبک فردوسی نزدیک‌تر است.

بیت ۶۰۴:

(خ) نخواهم که چون تو یکی شهریار تبه دارد از چنگِ من روزگارا!
(ک) نخواهم که چون تو یکی شهریار تبه گردد از چنگِ من روزِ کارا!

در چاپ خالقی رستم، تباه شدن اسفندیار را به روزگار نسبت داده است که با این مفهوم در سراسر داستان انسجام بیشتری دارد.

بیت ۶۰۵:

(خ) که من سام یل را نخوانم دلیر کزو بیشه بگذاشتی نره شیر!
(ک) که من سام یل را بخوانم دلیر کزو بیشه بگذاشتی نره شیر!

ضبط مصرع نخست در چاپ مسکو «بخوانم» است. طبق آنچه رستگار فسایی و آیدنلو گزارش کرده‌اند، با این ضبط حصر و قصر ایجاد می‌شود که می‌تواند تعریضی به اسفندیار باشد: فقط سام یل دلیر است و تو (اسفندیار) در نظر من در پایه یلان نیستی (← رستگار فسایی، ۱۳۸۹: ۲۱۶ و آیدنلو، ۱۳۸۵: ۷۸).

بیت ۶۱۷:

(خ) به آرام بنشین و بردار جام! ز تندی و تیزی مبر هیچ نام!
(ک) بیارام و بنشین و بردار جام! ز تندی و تیزی مبر هیچ نام!

محور بلاغی در این بیت بیارام است که در چاپ خالقی جملات کوتاه را افزایش داده است و به سبک حماسی شاهنامه نزدیک‌تر است.

بیت ۷۷۶:

(خ) بجای می سرخ، کین آوریم کمان و کمند و کمین آوریم
(ک) به جای می سرخ خون آوریم ببینی تو فردا که چون آوریم

محور بلاغی در این بیت مصرع دوم چاپ خالقی است که در آن تکرار، بلاغت کلام را افزوده است.

ابیات ۸۵۸-۸۶۰:

(خ) بگویند کو با خرام و نوید بیامد وُرا کرد چندین امید
همه خواهش او همی خوار داشت زبانی پُر از تلخ گفتار داشت

تَهْمَتَن زِ گَفْتار او سر بتافت	از آن پس که جز جنگ کاری نیافت!
(ک) بگویند ک: او، با خُرام و نوید	بیامد ورا کرد چندان امید
تَهْمَتَن زِ گَفْتار او سر بتافت	از آن پس که جز جنگ کاری نیافت
همه خواهش او همی خوار داشت	زبانی پُر از تلخ گفتار داشت

ترتیب ابیات در چاپ خالقی روند منطقی تر و در نتیجه بلیغ تری دارد.

بیت ۹۸۶:

(خ) بدو گفت زال: ای پسر این سَخُن	مگویی و جدا کن سرش را ز بُن،
(ک) بدو گفت زال: ای پسر این سَخُن	که گویی سرش نیست پیدا ز بن

مصرع دوم این بیت در چاپ خالقی با مقتضای حال زال که عمق فاجعه را پیش‌بینی می‌کند سازگارتر است (نهی و امر پشت سر هم).

بیت ۱۱۸۲:

(خ) شِگفتی بمانده بُد اسفندیار	همی گفت کای داورِ کامگار،
چُنان آفریدی که خود خواستی	زمان و زمین را تو آراستی!
(ک) شِگفتی بمانده بُد اسفندیار	همی گفت ک: «ای داورِ کردگارا!
چُنان آفریدی که خود خواستی	زمین و زمان را تو آراستی»

عدم انسجام در چاپ کزازی؛ صفت «کامگار» در چاپ خالقی با مفهوم بیت بعد سازگارتر است.

ابیات ۱۱۸۴-۱۱۸۵:

(خ) بدانگه که شد نامور بازِ جای	پشوتن بیامد زِ پرده سرای،
زِ نوش آذرِ گرد و از مهرنوش	خروشیدنی بود با درد و جوش!
(ک) بدانگه که شد نامور بازِ جای	خروشیدن آمد زِ پرده سرای،
زِ نوش آذرِ گرد و از مهرنوش	پشوتن بیامد پُر از درد و جوش.

چاپ خالقی سازوارتر است؛ پشوتن آمد از خروشیدن آمد فصیح‌تر است؛ «خروشیدنی بود با درد و جوش» از «پشوتن بیامد پُر از درد و جوش» پس از مرگ نوش آذر و مهرنوش درست‌تر است.

بیت ۱۲۹۸:

(خ) بمالید بر تارکش پرّ خویش بفرمود تا رستم آمدش پیش،
(ک) بفرمود تا رستم آمدش پیش، بمالید بر تارکش پرّ خویش

چاپ کزازی با منطق کلام سازگارتر است.

بیت ۱۳۷۲:

(خ) همی‌راند تیرِ گز اندر کمان، سرِ خویش کرده سُوی آسمان،
(ک) جو آن تیرِ گز راند اندر کمان، سرِ خویش کرده سُوی آسمان،

چاپ خالقی با ابیات پس و پیش خود سازگارتر است، در صورتی که در چاپ کزازی این بیت باید مقدمه‌ای برای ابیات دیگر به شمار بیاید.

بیت ۱۵۳۶:

(خ) به ایران ز هر سو که رفت آگهی بینداخت هر کس کلاه مهی!
(ک) به ایران ز هر سو که رفت آگهی بینداختند آن کلاه مهی!

مصرع دوم این بیت در چاپ خالقی عمق فاجعه را بیشتر نشان می‌دهد و بیانگر آن است که هیچ کس پس از اسفندیار خود را لایق کلاه بزرگی نمی‌داند.

بیت ۱۵۳۸:

(خ) پس از روزگارِ منوچهر باز نیامد چو تو نیز گردنفراز!
(ک) کس، از روزگارِ منوچهر باز نیامد چو تو نیز گردنفراز!

«پس» که در نسخه خالقی آمده است اغراق را که از ویژگی‌های مهم متن حماسی است بیشتر نشان می‌دهد.

بیت ۱۶۲۵:

(خ) همان زاری و پند و اروندِ اوی سَخُنْ گفتن از مهر و پیوندِ اوی،
(ک) همان زاری و پند و اروند بود سَخُنْ گفتن از مهر و پیوند بود،

در چاپ خالقی، «اوی» به جای «بود» القاکننده نوعی غم ادامه‌دار است که این غم با فعل «بود» خاتمه می‌یابد.

بیت ۱۶۶۰:

(خ) بدو گفت کاسفندیاری تو بس! نمانی به گیتی جزو را به کس!
(ک) بدو گفت: «اسفندیاری تو پس! نمانی جز او را، به گیتی، به کس!

در چاپ خالقی، «پس» به جای «بس»، قصر و حصر را با تأکید بیشتری همراه می‌سازد و بر بلاغت کلام می‌افزاید.

۴. نتیجه‌گیری

پس از مقایسه متن داستان رستم و اسفندیار در «شاهنامه به کوشش جلال خالقی مطلق» و «نامه باستان» میرجلال الدین کزازی، این نتیجه حاصل شد که ۴۴۰ بیت در مورد یا مواردی با هم تفاوت دارند؛ که از آن‌ها، ۱۷۶ بیت دارای تفاوت نحوی و ۲۶۴ بیت دارای تفاوت غیرنحوی است. از بررسی ۱۷۶ بیتی که با هم تفاوت نحوی دارند این نتیجه به دست آمد که این تفاوت در ۳۰ مورد توانسته است سرنوشت بلاغی متن را تغییر دهد. اگر با این بررسی نمونه‌وار، می‌توان این فرضیه را مطرح کرد که مطالعه تطبیقی چاپ‌های متفاوت هرکدام از متون ادبی به خصوص شاهنامه با این شیوه - بدون دخالت دادن ذوق شخصی - موضوع قابل توجهی است که پژوهشی جامع در مورد آن بسیار نتیجه بخش و راه‌گشا است.

جدول مقایسه بلاغی دو چاپ

عنوان	تعداد ابیات
چاپ خالقی	۱۶۷۱
چاپ کزازی	۱۶۵۴
جمع تفاوت‌ها	۴۴۰
تفاوت غیرنحوی	۲۶۴
تفاوت نحوی	۱۷۶
تفاوت‌های نحوی بلاغت‌ساز	۳۰

منابع

افشار، ایرج (۱۳۸۶). «خوش باد این نیکبختی: سخنانی درباره شاهنامه چاپ خالقی مطلق»، *بخارا*، شماره ۶۴.
جرجانی، عبدالقاهر (۱۳۶۸). *دلایل الاعجاز*، ترجمه و تحشیه دکتر سید محمد رادمنش، چ اول، مشهد: آستان قدس رضوی.

- حافظ، شمس‌الدین محمد (۱۳۸۵). *دیوان*، به اهتمام جهانگیر منصور، چ دهم، تهران: دوران.
- خالقی مطلق، جلال (۱۳۸۹). *یادداشت‌های شاهنامه بر اساس طبع انتقادی شاهنامه فردوسی*، تهران: مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی (مرکز پژوهش‌های ایرانی و اسلامی).
- خطیبی، ابوالفضل (۱۳۸۱). «یادداشت‌های شاهنامه: نقد و بررسی کتاب یادداشت‌های شاهنامه فردوسی به کوشش جلال خالقی مطلق» نشر دانش، سال نوزدهم، شماره سوم (پیاپی ۱۰۲).
- ذوالفقاری، داریوش و نرگس محمدی بدر (۱۳۸۹). «نقد بلاغی بیت معروفی از شاهنامه»، *کهن نامه ادب پارسی*، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال اول، شماره ۲.
- رستگار فسایی، منصور (۱۳۸۹). *حماسه رستم و اسفندیار، توضیح و گزارش*، تهران: جامی.
- ریاحی، محمد امین (۱۳۸۲). *سرچشمه‌های فردوسی‌شناسی*، چ دوم، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- سعدی، مصلح بن عبدالله (۱۳۶۹). *بوستان (سعدی نامه)*، تصحیح و توضیح غلامحسین یوسفی، چ چهارم، تهران: خوارزمی.
- سعدی، مصلح بن عبدالله (۱۳۷۹). *کلیات سعدی*، تصحیح بهاء‌الدین خرمشاهی، چ دوم، تهران: دوستان.
- شفیعی کدکنی، محمدرضا (۱۳۷۹). *موسیقی شعر*، چ ششم، تهران: آگه.
- شمیسا، سیروس (۱۳۸۶). *معانی*، چاپ نخست از ویرایش دوم، تهران: میترا.
- صفا، ذبیح‌الله (۱۳۸۷). *حماسه سرایی در ایران*، چ هشتم، تهران: امیرکبیر.
- علوی مقدم، محمد و رضا اشرف زاده (۱۳۸۷). *معانی و بیان*، چ هشتم، تهران: سمت.
- فردوسی، ابوالقاسم (۱۳۸۶). *شاهنامه*، بر پایه چاپ مسکو، چ سوم، انتشارات هرمس: تهران.
- فردوسی، ابوالقاسم (۱۳۸۸). *شاهنامه*، به کوشش جلال خالقی مطلق، چ دوم، مرکز دایرةالمعارف بزرگ اسلامی: تهران.
- فروزانفر، بدیع‌الزمان (۱۳۵۰). *سخن و سخنوران*، چ دوم، تهران: خوارزمی.
- کزازی، میرجلال‌الدین (۱۳۸۴). *نامه باستان (ویرایش و گزارش شاهنامه فردوسی)*، چ ششم، تهران: سمت.
- مهدوی دامغانی، احمد (۱۳۷۵). «در باب بلاغت»، *نامه فرهنگستان*، سال دوم، شماره سوم، شماره ۷.
- نظامی عروضی (۱۳۶۶). *چهار مقاله*، تصحیح محمد معین، چ نهم، تهران: امیرکبیر.